

آقای کُرنل و دوستش شستر

رابرت شفرن، ایوا دکس | سمیه آقاجانی



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

سرشناسه: شفنر، روبرت

Scheffner, Robert

عنوان و نام پدیدآور: آقای گرنل و دوستش تُستر / نویسنده رابرت شفنر، ایوا دکس؛ مترجم سمیه آقاجانی.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۳ص: مصور (رنگی). (۲۲×۲۹ س.م.

شابک: ۷-۸۹۰-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Cornell und der Toaster, c2018

یادداشت: گروه سنی: ب.

موضوع: داستان‌های کودکان فرانسه

موضوع: Children's stories, French

شناسه‌ی افزوده: داکس، افا

شناسه‌ی افزوده: Dax, Eva

شناسه‌ی افزوده: آقاجانی، سمیه، ۱۳۶۱ - ، مترجم

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۴ دا

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۲۷۸۵۲

۷۱۴۷۳۰۱



انتشارات پرتقال

آقای گرنل و دوستش تُستر

نویسنده: رابرت شفنر - ایوا دکس

تصویرگر: رابرت شفنر

مترجم: سمیه آقاجانی

ویراستار: سارا طباطبایی

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / سجاد قربانی - آزاده توماچنیا

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۷-۸۹۰-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شادرنگ

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

Cornell und der Toaster

text by Robert Scheffner and Eva Dax,

illustrations by Robert Scheffner

© Verlag Friedrich Oetinger, Hamburg 2018

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انحصاری انتشار (Copyright)

کتاب Cornell und der Toaster

به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به

نشر پرتقال است.

کرنل خیلی خوشحال بود از اینکه هر روز صبح کنار
میز صبحانه می‌نشست و نان تست برشته‌شده‌اش
را می‌خورد. او چیزی جز نان تست برشته‌شده برای
صبحانه دوست نداشت و بعد از خوردن صبحانه
همیشه می‌گفت: «خیلی ممنون دوست عزیزم!»
دوستش همان تُستر بود
که خیلی او را دوست داشت.
خیلی وقت بود که کرنل
با کسی صحبت نمی‌کرد.



هر روز تُستر، نان تست
برشته شده را به هوا پرتاب می‌کرد؛
و بعد بوی دل‌پذیر نان در
آشپزخانه می‌پیچید.



روزی کُرُنل که در حال جویدن نان
تست بود از تُستر مدام سؤال‌هایی
می‌پرسید: «اگر جرئت کنم و کاری
انجام بدهم چطور می‌شود؟»

...

و ادامه داد: «ما یک تکه نان
تست می‌کنیم که برایمان خرجی
ندارد. چه خوب که می‌توانیم
با همین یک تکه نان خوش
بگذرانیم.»



تُستر با مهربانی سکوت
کرد. ناگهان کُرُنل، صدای
چکشی را شنید. صدایی
که آزارش می‌داد.



حتماً صدا از خانه‌ی همسایه بود. آنجا همسایه‌ی جدیدی زندگی می‌کرد.
آقای همسایه تا حالا هیچ‌وقت از خانه بیرون نیامده بود.

